



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۰۱	تاریخ	۱۴۰۵ / ۰۷ / ۰۷
عنوان ۱	مواقیت الصلاة					
عنوان ۲	وقت نماز صبح					
عنوان ۳	مقدمه: مروری بر مباحث پیشین در مواقیت صلوات مکتوبه					
عنوان ۴	مطلب چهارم: تحدید میزان انتصاف الیل ❖ بررسی اقوال در مسأله انتصاف الیل					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

چکیده مباحث این جلسه از قرار زیر است:

۱. اوقات نماز مغرب و عشاء

وقت اول (غروب تا نیمه شب) زمان ادای نماز برای افراد مختار است. وقت دوم (نیمه شب تا طلوع فجر) منحصرأً و یژه «اصحاب اعذار» است که نمازش را به قصد ادا می خوانند؛ اما این زمان برای افراد غیر مضطر قضا محسوب می شود.

۲. شمول احکام معذورین

عناوینی مانند: «خواب مانده» و «فراموش کار» در روایات، حصری نیستند و رخصت ادای نماز در وقت دوم، تمامی صاحبان عذرهای موجه (نظیر بیماری یا حبس) را در بر می گیرد.

۳. تحدید دقیق نیمه شب (انتصاف الیل)

در تعیین نقطه نیمه شب دو مبنا وجود دارد:

الف) قول مشهور فقها: نقطه میانی فاصله «غروب تا طلوع فجر» (پایان شب با دمیدن سپیده).

ب) قول اقلیت: نقطه میانی فاصله «غروب تا طلوع آفتاب».

۴. نقد انتساب مبنای اقلیت به متقدمین

حضرت استاد رحمته الله علیه انتساب مبنای دوم را به صاحب ذکر و صاحب مفاتیح رد می کنند؛ زیرا آنان پدیده سرازیر شدن ستارگان را تنها یک «علامت» عرفی برای تشخیص نیمه شب دانسته اند، نه ملاکی برای محاسبه مبدأ و منتهای شب.

۵. پایان شب با طلوع فجر

با استناد به تحقیقات علامه مجلسی، در لغت و عرف شرع، روز از طلوع فجر آغاز می شود و مابین الطلوعین بخشی از روز است. ادامه بررسی ادله این اقوال به جلسه آینده موکول شد.

مقدمه: مروری بر مباحث پیشین در مواقیت صلوات مکتوبه

بحث ما در فقه الصلاة است. پیش از ایام تعطیل، مبحث ما در مواقیت صلوات مکتوبه جریان داشت و بیان کردیم که «يقع البحث فی أمور»؛ یعنی در زمینه مواقیت صلوات مکتوبه، بحث در چند امر واقع می شود.

امر اول در خصوص وقت ظهرین و نافله ظهرین بود که بحث آن به اتمام رسید.

سپس به امر ثانی، یعنی وقت مغرب و عشاء و نافلتیهما منتقل شدیم.

در این مقام بیان کردیم که چند مطلب را باید مورد بحث قرار دهیم.

مطلب اول: «فی الوقت الأول لصلاتی المغرب و العشاء». اشاره کردیم که برای نماز مغرب و عشاء دو وقت، معین شده است. وقت اول، مابین غروب تا منتصف اللیل است؛ این وقت اول برای همگان، وقت ادای نماز محسوب می شود.

در کنار آن، یک وقت دومی نیز وجود دارد که تا طلوع فجر امتداد می یابد؛ یعنی مابین منتصف اللیل الی طلوع الفجر. درباره این وقت بحث کردیم و گفتیم این وقت، مختص به شخص مضطر است؛ مانند فرد نائم، ناسی، حائض، و به عنوان مثال، زنی که در حالت قاعدگی به سر می برده و پس از منتصف اللیل از حالت حیض خارج شده است؛ چنین شخصی باید نمازش را پس از نیمه شب بخواند و این نماز را به قصد ادا می خواند، نه به قصد قضا. همچنین شخص نائم که خوابش برده و پس از منتصف اللیل بیدار شده است، نماز مغرب و عشاءش را به قصد ادا می خواند. خلاصه آنکه گفتیم این وقت، وقت مضطر است. اما کسی که مضطر نیست و کاری

ندارد و در جای خود نشسته و می گوید حالا که وقت هست نمازمان را به بعد از منتصف اللیل موکول می کنیم، چنین حقی ندارد و این کار، خلاف است. اگر شخص غیر مضطر چنین کاری کرد، نماز برای او قضاء محسوب می شود.

البته اگر شخص مضطر است و می خواهد بعد از منتصف اللیل نماز بخواند، احتیاط در این است که قصد ادا و قضا نکند؛ ولی بر طبق دلیل، به نظر ما در اینجا صلاة او (شخص غیر مضطر) قضایی است.

مطلب دوم: «في الوقت الثاني لصلاتي المغرب والعشاء» بود که گذشت.

مطلب سوم: بررسی اختصاص وقت ثانی به اصحاب اعدار

آیا این وقت ثانی، مختص به نائم و ناسی است که در روایات ذکر شده است؟ در روایات، عناوین نائم، ناسی و حائض آمده است. در مطلب سوم گفتیم: خیر، این حکم مختص به این سه دسته نیست؛ بلکه شامل تمامی اصحاب اعدار می شود. به عنوان مثال، کسی که گرفتار مشکلی شده و نتوانسته پیش از منتصف اللیل نماز مغرب و عشاء را بخواند و عذری داشته است؛ خواه عذر مریضی، خواه عذر حبسی، یا هر عذر دیگری که مانع از ادای نماز مغرب و عشاء پیش از نیمه شب شده است، او نیز می تواند نماز مغرب و عشاء را اداء تا طلوع فجر به جای آورد. بیان کردیم که این اعدار ثلاثه ای که در روایات آمده است، از باب مثالیت است، نه از باب تعین و حصر. این مباحث در مطلب سوم مورد بررسی قرار گرفت.

مطلب چهارم: تحدید میزان انتصاف اللیل

بحث فعلی ما درباره مطلب چهارم، یعنی «فی تحدید میزان انتصاف اللیل» است. میزان و معیار در نیمه شب چیست؟ آن نیمه شب چه زمانی است و کی اتفاق می افتد؟ آیا نیمه شب را باید مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر محاسبه کنیم، یا مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس؟

منتصف اللیل، حدش چیست و شب چه زمانی تمام می شود؟ آیا شب با طلوع فجر تمام می شود تا نیمه شب مابین الغروب الی طلوع الفجر باشد؟ یا آنکه لیل با طلوع شمس تمام می شود و انتهای شب، طلوع شمس است تا ملاک در منتصف اللیل، مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس باشد؟

در این زمینه دو مبنا وجود دارد. مبنای مشهور که بلکه ادعای اجماع بر آن شده، این است که لیل با طلوع فجر به پایان می‌رسد و میزان در انتصاف الیل، نصف مابین غروب الی طلوع الفجر است. با طلوع الفجر، نهار شروع می‌شود و مابین الطلوعین، یعنی مابین طلوع فجر و طلوع شمس، «من النهار» محسوب می‌شود، نه «من الیل». این مسأله، محل بحث ما است.

بررسی اقوال در مسأله انتصاف الیل

اشاره‌ای به اقوال می‌کنیم تا مطلب روشن شود. قول اول، قولی است که به تعبیر ما «ذهب الیه اکثره الکاتره من الفقهاء و اللغویین و غیرهم»؛ یعنی اکثریت قریب به اتفاق از فقهاء، لغویین، مفسرین و دیگران، همگی گفته‌اند: نصف الیل، نصف مابین الغروب الی طلوع الفجر است. در مقابل، قول اقلیتی از فقهاء یا غیر فقهاء نیز وجود دارد که از جمله آنها مرحوم سبزواری، صاحب کفایة الأحکام، و همچنین از اساتید ما، استاد محقق سیدنا الخوئی قدس الله روحه هستند که قائلند منتصف الیل، منتصف مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس است. این قول را باید مورد بحث قرار دهیم.

مرحوم سبزواری در کفایة الأحکام چنین می‌گوید:

«وقت صلاة الیل بعد انتصافه والمعتبر منتصف ما بین طلوع الشمس وغروبها»؛

این معیار معتبر در نصف الیل است.

«ويعلم بانحدار النجوم الطالعة مع غروب الشمس»؛

این نصف مابین الغروب الی الطلوع را از کجا می‌فهمیم؟ از اینجا که ستارگانی که با غروب آفتاب پیدا می‌شوند، به سمت افق تمایل پیدا می‌کنند؛ بدین معنا که نیمه شب گذشته است. این ستاره‌هایی که با غروب شمس پیدا شده‌اند، پیش از نیمه شب مثلاً در سمت چپ و مسامت با رأس قرار دارند، اما وقتی نصف می‌شود، اینها به سمت راست می‌روند؛ مثلاً اگر رو به قبله بایستی که یک طرف غروب باشد، سمت چپ آن مثلاً مشرق خواهد بود.

نقد انتساب مبنای دوم به صاحب ذکری و صاحب مفاتیح

سید حکیم قدس الله روحه در مستمسک می‌فرماید:

«وَنُسَبُّ اَيْضاً اِلَى ظَاهِرِ الذِّكْرِ وَالْمَفَاتِيحِ وَشَرْحِهَا»؛

یعنی ذکر شهید و مفاتیح فیض کاشانی قدس الله روحهما. ما معتقدیم که این نسبت، نسبت دقیقی نیست و «لم تثبت هذه النسبة». نسبت داده اند که مرحوم صاحب مفاتیح یا مرحوم شهید در ذکر نیز قائل به این هستند که نصف الليل، نصف مابین غروب الشمس الى طلوع الشمس است؛ اما هنگامی که ما به کلماتشان مراجعه می کنیم، این نسبت برای ما احراز نمی شود و عبارتشان ظهور روشنی در چنین نسبتی ندارد.

به عنوان مثال، مرحوم شهید در ذکر، بعد از نقل روایت از ابی جعفر الباقر علیه السلام حول سیره رسول الله فی صلاة الليل، سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در نماز شب بیان می کند که چه زمانی نماز شبشان را می خواندند. البته رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز شب را چند بخشی می خواندند؛ چهار رکعت به چهار رکعت، و سپس دو رکعت شفع و یک رکعت وتر را در آخر کار. تقریباً نماز شبشان را به سه بخش تقسیم می کردند. یک چهار رکعت اول می خواندند، یک چهار رکعت بعد می خواندند، و سه رکعت شفع و وتر را هم آخر کار و نزدیک طلوع فجر می خواندند.

شهید می فرماید:

«فَإِذَا زَالَ اللَّيْلُ صَلَّى ثَمَانِ رَكَعَاتٍ»؛

رسول اکرم صلی الله علیه و آله این هشت رکعت را بعد از نیمه شب می خواندند و از نیمه شب به «زال الليل» و زوال لیل تعبیر شده است. همان طور که ما در نهار می گوییم «زوال النهار» و این زوال النهار را منتصف النهار می دانیم؛ یعنی وقتی که خورشید از خط نصف النهار به طرف مغرب متمایل می شود، به آن زوال النهار می گوییم. ایشان می گوید یک چنین زوالی برای شب هم وجود دارد و زوال شب همین است که نجوم طالع مع غروب الشمس، از خط نصف الليل - که مسامت با نصف النهار معمولی است - عبور کنند؛ یعنی یک خط فرضی در آسمان فرض می کنیم که دقیقاً روی خط نصف النهار سوار می شود. اگر نجوم از این خط گذشتند و به طرف مغرب متمایل شدند، این زوال الليل است.

در عبارت روایت آمده است: «فإذا زال الليل». شهید در ذکری در توضیح این روایت چه فرمود؟
فرمود:

«عبر بزوال الليل عن انتصافه كزوال النهار»

یعنی امام در روایت «عبر بزوال الليل عن انتصافه كزوال النهار». سپس مرحوم شهید در ذکری، برای تأیید این مطلب که لیل هم مانند نهار زوالی دارد، این روایت را نقل می‌کند؛ روایت عمر بن حنظلة عن الصادق عليه السلام که فرمود:

«زَوَالُ الشَّمْسِ نَعْرِفُهُ بِالنَّهَارِ، كَيْفَ لَنَا بِاللَّيْلِ؟ فَقَالَ: لِلَّيْلِ زَوَالُ كَزَوَالِ الشَّمْسِ، قَالَ: فَبِأَيِّ شَيْءٍ نَعْرِفُهُ؟...»

آن زوال اللیل را با چه چیزی می‌فهمیم؟ زوال الشمس را می‌دانیم که مثلاً از آن نقطه مسامت با رأس به این طرف متمایل می‌شود، اما زوال اللیل چگونه؟

«قَالَ: بِالنُّجُومِ إِذَا انْحَدَرَتْ»؛

انحدرت یعنی چه؟ یعنی حرکتشان به سمت مغرب شمس شد.

از این کلام شهید استظهار کرده‌اند که چون گفته زوال اللیل، پس این زوال اللیل باید مابین غروب الشمس و طلوع الشمس باشد؛ و انحدار النجوم را این‌گونه فهمیده‌اند. ما می‌گوییم بله، شما یک خط نصف الیلی هم فرض کنید که مسامت با خط نصف النهار است و حضرت انحدار نجوم را هم به عنوان علامت ذکر کرده است؛ اما اینکه این مبنای نصف اللیل باشد، از کجا به دست می‌آید؟ این تنها علامتی است که نشان می‌دهد شب به نصف رسیده است.

چون امام در مقام بیان آن میزان دقیق انتصاف اللیل نبوده است، خواسته یک علامتی بیان کند که اگر کسی بخواهد خودبه‌خود نصف شب را بفهمد، چگونه متوجه شود؟ می‌فرماید وقتی ستاره‌ها را دیدی که به این طرف آمده‌اند، بفهم که نیمه شب شده است. اما اینکه این نیمه شب چه وقت رخ داده، این روایت آن را معلوم نمی‌کند. اینکه «لِلَّيْلِ زَوَالُ كَزَوَالِ الشَّمْسِ»، دلیل نمی‌شود بر اینکه حتماً مراد از این زوال اللیل این باشد که منتصف اللیل مابین غروب الشمس الی طلوع

الشمس است. بله، «اللَّيْلُ زَوَالٌ كَزَوَالِ الشَّمْسِ»، بسیار خب، اما ملاک دقیق در انتصاف الليل چیست؟ در این روایت نهفته نیست.

لذا این نسبت به ذکری و کلام شهید، به نظر ما نسبت دقیقی نیست؛ بلکه از کلام شهید در جای دیگر ذکری استفاده می شود که ایشان هم همین مبنا را دارد که منتصف الليل، مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر است، نه مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس.

پرسشگر: ...

استاد: معمولاً آن علامت است؛ یعنی اگر این را دیدی، می فهمی که نیمه شب شده است؛ اما کی شده است؟ ممکن است خیلی قبل از این نیمه شب شده باشد. به قول مرحوم آقای خویی قدس الله روحه، معمولاً اگر ما نیمه شب را مابین الغروب و طلوع الشمس بگیریم، یا مابین غروب الشمس و طلوع الفجر بگیریم، تفاوتش قریب به سه ربع ساعت می شود؛ یعنی چهل و پنج دقیقه. این زمان زیادی نیست. اگر شما نیمه شب را مابین غروب شمس و طلوع فجر بگیرید، نصف شب سه ربع ساعت قبل از نیمه شبی می شود که بر اساس غروب خورشید و طلوع خورشید معین می گردد. در واقع، نیمه شب مابین الغروب الی طلوع الفجر، به اندازه سه ربع ساعت جلوتر از نیمه شب مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس است. در این سه ربع ساعت، تفاوت خیلی زیادی نیست. حضرت می خواهد بفرمایند بله فرض کنید انحدار نجوم رخ داده است، این انحدار نجوم بعد از سه ربع ساعت از نصف شب واقعی صورت گرفته است؛ حضرت می خواهد بگوید اگر انحدار نجوم را دیدی، بفهم که نیمه شب شده است، ولو اینکه این نیمه شب سه ربع ساعت قبل اتفاق افتاده باشد. از کجا معلوم که این انحدار نجوم به این معنا باشد که دقیقاً در همان وقتی که این انحدار شروع شد، نیمه شب فرا رسیده است؟ مگر کسی در دستش اسطرلاب^۱ است یا با چه وسیله ای می تواند بفهمد که این انحدار دقیقاً کی شروع شد تا بفهمد نیمه شب چه زمانی رخ داده است؟ این طور که نیست؛ این را برای عرف گفته اند، برای اینکه اگر دیدی این ستاره ها به این طرف آمده اند، بفهمی که نیمه شب شده است.

۱. «اسطرلاب» یک ابزار نجومی و محاسباتی باستانی است که برای تعیین دقیق موقعیت خورشید، ستارگان و سیارات در آسمان کاربرد داشته است. در گذشته، دانشمندان و دریانوردان از این وسیله چند منظوره برای ناوبری، زمان سنجی، یافتن جهت ها و حل مسائل هندسی بهره می بردند. [مقرر].

پرسشگر: ...

استاد: ما از کجا می دانیم مبنا نجوم است؟ علامت بودن غیر از این است که مبنا این باشد. می گوید علامت این است که نیمه شب شده است. یعنی قطعاً انحدار النجوم علی ای حال علامت نیمه شب هست؛ چه شما نیمه شب را مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر بدانید، یا مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس بدانید. به هر حال انحدار النجوم علامت این است که نیمه شب فرا رسیده است؛ اما اینکه دقیقاً کی این نیمه شب شده، این را نمی فهماند. حرف ما این است و در ادامه بیشتر درباره آن بحث می کنیم.

بررسی کلام فیض کاشانی در مفاتیح

اما درباره کتاب مفاتیح مرحوم فیض؛ باز هم در کتاب مفاتیح ایشان تصریحی نداریم به اینکه ملاک در نیمه شب، نصف مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس است؛ بلکه ایشان هم به همین روایت تمسک کرده و عبارات روایات را آورده است. این گونه فرموده اند:

«ويعرف انتصاف الليل بانحدار النجوم الطالعة عند الغروب عن سمت الرأس كما في الخبر»؛

می گوید اگر بخواهی نیمه شب را بفهمی، نیمه شب با انحدار النجوم از سمت الرأس معلوم می شود. گفتیم بله معلوم می شود نیمه شب شده است، اما اینکه این نیمه شب چه زمانی اتفاق افتاده، انحدار النجوم نمی تواند آن را به ما بفهماند. لذا عبارات مرحوم صاحب مفاتیح هم به نظر ما صریح در این نیست که ایشان ملاک نیمه شب را مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس بدانند.

اقوال موافقان مبنای مشهور

در هر صورت، قائلان به اینکه نصف مابین غروب الشمس الی طلوع الشمس، نصف الليل است بسیار اندک هستند؛ بلکه اکثریت غالب، اکثریت قاطع و اکثریت قریب به اتفاق، چه در بین فقهاء و چه در لغویین، همگی گفته اند که ملاک در نیمه شب، نصف مابین غروب الی طلوع الفجر است.

مرحوم صاحب جواهر با اشاره به اینکه نصف شب، نصف مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر است، به این رأی اشاره می کند و چنین می فرماید:

«على أنه هو الحق الموافق لأكثر اللغويين و المفسرين و الفقهاء و المحدثين و الحكماء الالهيين و الرياضيين كما سمعته من السيد الداماد في البحث عن آخر وقت الظهرين»^۱.

مرحوم صاحب جواهر می گوید عبارت سید داماد در بحث از آخر وقت ظهرین نیز همین را می فهماند که نیمه شب، نصف مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر است. در ادامه می فرماید:

«بل الظاهر أنّ الخلاف فيه قد اضمحل وانعقد الإجماع بعد»^۲؛

یعنی اجماع منعقد شده بر اینکه ملاک در نیمه شب، بین غروب شمس تا طلوع فجر است و این اختلاف از بین رفته است.

مرحوم صاحب جواهر در جای دیگری کلام سید داماد را از بحار الأنوار نقل می کند. مرحوم مجلسی در بحار الأنوار فرمایش مرحوم داماد را این گونه بیان می کند:

«ثم إن ما في أكثر روایاتنا عن أئمتنا المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين و ما عليه العمل عند أصحابنا رضي الله تعالى عنهم إجماعاً هو أنّ زمان ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس من النهار و معدود من ساعاته»^۳.

عبارت سید داماد این است که وقتی طلوع فجر می شود، قطعاً لیل تمام شده و از ما بعد طلوع الفجر تا طلوع الشمس، از شب حساب نمی شود و «من النهار» است. خب لازمه حرف ایشان چیست؟ این است که منتصف اللیل، منتصف مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر است؛ چون می فرماید بعد از طلوع فجر، دیگر لیل نیست.

کلام علامه مجلسی در بحار الأنوار

مرحوم مجلسی در بحار الأنوار به تفصیل در این باره بحث کرده است که مراجعه به آن بسیار سودمند است. ایشان بابی را تحت همین عنوان باز کرده اند: «باب فی انتصاف اللیل و منتهاه و

۱. جواهر الکلام فی شرائع الإسلام؛ ج ۷، ص ۲۱۹.

۲. همان؛ ص ۲۲۰.

۳. بحار الأنوار؛ ج ۸، ص ۸۴.

مفتتح النهار، جمع فيه اقوال الفقهاء والمفسرين واللغويين وغيرهم من اصحاب المعرفة باللغة والحديث، وقد اتفقوا جميعاً؛ همه این ها اتفاق نظر دارند بر اینکه شب با طلوع فجر به پایان می رسد و نیمه شب، نیمه مابین غروب خورشید و طلوع فجر است.
من سراغ ندارم کسی به تفصیل مرحوم مجلسی با ذکر اقوال، روایات و ادله به این مسأله پرداخته باشد. می فرماید:

«اعلم أنّ بعض أصحابنا في زماننا جدّدوا النزاع القديم الذي كان في بعض الأزمان السابقة و اضمحل لوضوح الحقّ فيه»؛

می گوید نزاعی در قدیم بوده که برچیده شده و حق واضح گشته است که ملاک در نیمه شب، نصف مابین غروب الشمس الی طلوع الفجر است؛ با این وجود، بعضی از متأخرین دوباره این نزاع را راه انداخته اند. ایشان ادامه می دهد:

«و اتّفق الخاصّ والعامّ فيه على أمر واحد وهو الخلاف في معنى الليل والنهار شرعاً وعرفاً، بل لغة هل ابتداء النهار من طلوع الفجر أو طلوع الشمس؟ وعندنا أنّه لا يفهم في عرف الشرع ولا في العرف العامّ ولا بحسب اللغة من اليوم أو النهار إلا ما هو من ابتداء طلوع الفجر ولم يخالف في ذلك إلا شرذمة قليلة قد انقرضوا»؛

طلوع یوم یا طلوع نهار از طلوع فجر شروع می شود و لیل با طلوع فجر تمام می شود.
سپس مرحوم مجلسی ادامه می دهد:

«لكن لا ينبغي أن يستريب عارف بقواعد الشريعة وإطلاقاتها في أنّه لا يتبادر فيها مع عدم القرينة من النهار إلا ما هو مبتدأ من طلوع الفجر»^۱.

وقتی در آیات کریمه، روایات و استعمالات اهل شرع گفته می شود نهار، شروع آن را از طلوع فجر می دانند. ایشان آیات و روایات زیادی را آورده است که همگی دلیل بر این است که شب با طلوع فجر پایان می یابد که مجال بیان همه آنها در اینجا نیست.

طرح بحث آینده و مسأله مابین الطلوعین

۱. همان؛ ص ۷۴.

۲. همان؛ ص ۷۵.

ما ابتدا اشاره‌ای به کلام فقهاء در این مسأله داشتیم تا معلوم شود فقهای ما چه فرموده‌اند و سپس به ادله اقوال و قولین می‌پردازیم.

گاهی تعبیر به اقوال می‌کنیم؛ زیرا یک تفصیلی هم در اینجا وجود دارد که البته فقط در حد فرضیه است و عملاً کسی به آن قائل نشده است. گفته‌اند فاصله بین طلوع فجر و طلوع شمس «لیس من اللیل ولا من النهار»؛ یعنی با طلوع فجر، لیل پایان می‌یابد؛ اما نهار شروع نمی‌شود؛ بلکه نهار از طلوع شمس آغاز می‌گردد. یعنی بین لیل و نهار فاصله‌ای افکنده‌اند که علمای ما آن را نپذیرفته‌اند. اگرچه در روایات داریم که ساعتی هست که «لیس من اللیل و لیس من النهار»، اما آن را بر مطالب معنوی حمل کرده‌اند، نه اینکه این زمان عرفاً نه از شب باشد و نه از روز. به هر حال در آیه کریمه قرآن داریم:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾؛

خِلْفَة یعنی اگر لیل رفت، نهار جای آن می‌آید و فاصله‌ای بین نهار و لیل نداریم. خِلْفَة یعنی «احدهما یخلف الآخر»؛ پشت سر هم هستند و فاصله‌ای ندارند. اما کلام فقهاء را ان شاء الله برای جلسه فردا می‌گذاریم، چرا که وقت به پایان رسید.

و صلی الله علی محمد و آل محمد